



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱

صفحات: ۷۲-۵۵

doi: 10.52547/mmi.2042.14000521

عوامل فضایی احساس معنوی در محیط معماری حرم مطهر رضوی با بهره‌گیری از رویکرد روان‌شناسی رفتارگرا

محمدصادق طاهر طلوع‌دل*، مرضیه آزاد ارمکی**، محمد دیناروند***

چکیده

"احساس معنوی محیط"، تجربه‌ای ویژه حاصل از حضور در فضاهای قدسی است. در زمینه ارتباط بین معماری و مفاهیم معنوی، تحقیق‌های بسیاری صورت گرفته، اما کمتر به بررسی تجربیات معنوی در مواجهه با آثار معماری پرداخته‌اند. روان‌شناسی رفتارگرا به واسطه تمرکز بر روی عکس‌العمل مخاطبان، به عنوان پاسخ و فضاهای معماری به عنوان محرک، بستر مناسبی برای بررسی احساس معنوی محیط است. در این مقاله از طریق مرور ادبیات، ویژگی‌های این احساس شناسایی شده و سپس از طریق تحلیل عاملی، عوامل فضایی مؤثر دسته‌بندی می‌شوند. پس از تهیه پرسش‌نامه و سنجش روایی از "نسبت روایی لاوشه" و "شاخص روایی محتوایی" برای تعیین پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تعیین حجم نمونه، از طریق روش آسان یا در دسترس، تعداد ۳۲۰ نفر از زائران حرم مطهر امام رضا (ع) در سال ۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهند عوامل مؤثر بر احساس معنوی محیط، در پنج دسته به شرح: عوامل عملکردی "مقیاس و تناسب ابعادی، رعایت شأن و عملکرد، فضای سکون، فضای مکث، حیاط‌های وسیع، امکانات رفاهی جانبی و هم‌جواری فضاهای فرهنگی"، عوامل کالبدی "عظمت مقبره، شکوه داخلی مقبره، تدریج افقی اهمیت، سیر از ساده به پیچیده در محور عمودی و افقی، شاخص بودن المان مقبره"، عوامل ایده‌ای "سامان‌دهی ورودی، انتظام سلسله مراتبی فضا، منع شمایل‌نگاری، انطباق محور حرکتی بر محور معنایی، ابهام در تسلسل فضا، شاخص بودن نورپردازی و موقعیت عناصر نورانی"، عوامل یکپارچگی شامل "تشابه نسبی فضاهای پشت سر هم، کل‌گرایی، همگرایی فرم و تزئینات" و عوامل فن‌آوری "مسقف بودن موقت حیاط، سامانه‌های نورپردازی شگفت‌انگیز و شرایط زیست‌محیطی" شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: احساس معنوی محیط، روان‌شناسی رفتارگرا، معماری حرم مطهر رضوی، عوامل کالبدی

*mstd@sru.ac.ir

**azadarmaki@sru.ac.ir

***memarvand@gmail.com

*دانشیار گروه معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.

**استادیار گروه معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.

***کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (نویسنده مسئول).

مقدمه

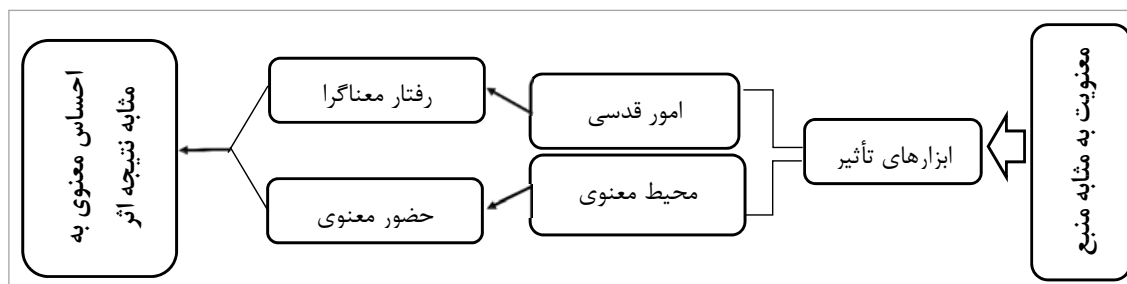
در اندیشه اسلامی همه هستی، ساحت الهی و زمین، عرصه تکامل و تعالی آدمی است. در این دیدگاه، معماری علاوه بر نیازهای مادی باید پاسخ‌گوی نیازهای معنوی انسان نیز باشد. معماری معاصر، بیشتر پاسخ‌گوی نیازهای مادی است و کمتر به نیازهای فرا مادی توجه می‌کند؛ حتی برای ساخت فضاهای مذهبی، بیشتر نگاهی مبتنی بر اندیشه‌های مدرن و یا تقلید بی‌تأمل از معماری گذشته مد نظر است و این فضاها بی‌توجه به لایه‌های عمیق معنایی، به کالبدی صرفاً فیزیکی بدل شده‌اند. از این رو، بررسی معناگرایانه معماری ضروری می‌نماید.

رئیزی و نقره‌کار (۱۳۹۴)، نظریه‌های مؤید معنا را در ۵ دسته؛ "مصادقی"، "رفتاری"، "قضیه‌ای"، "مفهومی" و "کارکردی" تقسیم‌بندی کرده‌اند. در جدول ۱، رویکردهای مؤثر در مطالعه آثار معماری، مبتنی بر این نظریات معرفی شده‌اند. با توجه به اینکه هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر معماری بر رفتار و احساس انسان است، لازم است رویکرد رفتاری را در نظر بگیریم.

برای شناخت رابطه میان معماری و ویژگی‌های معنوی، دشواری‌های بسیاری وجود دارند؛ از یک طرف، اساساً مفهوم دقیق معنویت، متفاوت از مفهوم احساسی است که از حضور در فضاهای معنوی حاصل می‌شود، زیرا در یک نگاه ساده، مفهوم معنویت به مثابه یک منبع تأثیر در نظر گرفته می‌شود که از طریق سامان‌دهی امور قدسی و فضاهای معنوی، سبب

شکل‌گیری یا تغییر احساس معنوی شده است. بنابراین علی‌رغم اینکه می‌توان بین مفهوم معنویت و احساس معنوی، رابطه سببیت قائل بود، اما این دو از نظر کاربست معنایی، دو مفهوم متفاوت هستند؛ در حالی که مترادف شمردن آنها با یکدیگر، پدیده‌ای شایع در مطالعات معماری است (تصویر ۱). از سوی دیگر، اگرچه پژوهش‌های بسیاری در مورد معنویت صورت گرفته‌اند، اما توافق کمی بر روی معنی دقیق این مفهوم وجود دارد؛ گروهی معنویت را بدون در نظر گرفتن هیچ مفهوم ماورائی تعریف می‌کنند، اما گروهی دیگر معنویت را یک حقیقت درونی تلقی کرده‌اند که علاوه بر اینکه دربردارنده ارزش‌های انسانی است، باید با مفاهیم فرا مادی مرتبط باشد (Bregman, 2012: 31). از این رو می‌توان دو گرایش برای یک احساس معنوی در مخاطب را برای تعریف یک مکان به‌عنوان فضای قدسی، کافی دانسته ولی دیدگاه دوم علاوه بر این خصلت، برخورداری از یک ارتباط معنادار مذهبی را در خلق این فضا لازم می‌داند. این مقاله و تحقیق وابسته به آن، اکتشافی اولیه از رابطه بین احساس معنوی و مکان ساخته‌شده را بر مبنای معنویتی حقیقی مطرح می‌کند؛ به‌نحوی که در آن، هم وجوه احساسی و هم ارتباط با خدا لحاظ شده است.

شناسایی و تجزیه و تحلیل رفتار مخاطبین فضاهای قدسی، برای داشتن درک درست از تأثیر معماری، بر احساس معنوی



تصویر ۱. تفاوت کاربست مفاهیم «معنویت» و «احساس معنوی» (نگارندگان)

جدول ۱. رویکرد مطالعات معماری بر اساس تنوع نظریات مؤید معنا

ردیف	نظریه پرداز	نظریه مؤید معنا	رویکرد مؤثر در مطالعات معماری
۱	پوزیتویست‌ها	نظریه مصادقی	مطالعه مصادیق و نمودهای کالبدی معنا در آثار معماری
۲	کارل اسگود	نظریه رفتاری	مطالعه احساس و نمود رفتاری مخاطب معنا در آثار معماری
۳	برتراند راسل	نظریه قضیه‌ای	مطالعه آثار معماری بر اساس ویژگی‌های کالبدی آنها
۴	جان لاک	نظریه مفهومی	مطالعه تصورات ذهنی و انگاره‌های ذهنی مخاطب اثر
۵	ویتگنشتاین	نظریه کارکردی	مطالعه آثار معماری بر اساس کارکرد و عملکرد

(رئیزی و نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۱۱)

(بورکهارت، ۱۳۶۵؛ ۱۳۷۰؛ ۱۳۸۷؛ احمدنژاد سرد رودی و سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲).

نادر اردلان و لاله بختیار (۱۳۹۱)، در همین راستا، مواردی چون؛ تجلی وحدت در مکثرات، خلق استعاره حضور خداوند از طریق معنادار کردن فضاهای خالی، القای احساسی مفهوم گذرا بودن جهان مادی از طریق اهمیت دادن به فضاهای تهی و بیان نمادین سلسله مراتب هستی در تزئینات را معرفی می‌کنند.

سید حسین نصر (۱۳۷۰؛ ۱۳۹۴) نیز ویژگی‌هایی برای معماری معنوی اسلامی بیان می‌کند که می‌توان به اصل وحدت مکثرات، ایجاد جذب و حرکت از محیط به مرکز با تأکید بر مرکزگرایی، قطبی کردن فضا و ایجاد فضای هدفمند، بیان استعاری مفهوم عجز و نیازمندی انسان از طریق خلق معنادار و پراهمیت فضاهای خالی و تهی اشاره کرد.

از طریق مطالعه آثار "فریتهوف شوان" (۱۳۷۲) و "کیت کریچلو" (۱۳۹۰)، انتظام سلسله مراتبی فضاهای متنوع و در عین حال یکپارچه، تجلی باطن نامرئی در صورت آشکار بنا، توجه به زیبایی ظاهری به واسطه اهمیت به ارزش باطنی آن، بهره‌مندی از اصل "تجلی" و منع شمایل‌نگاری، نمایش سادگی زاهدانه در خلق فضا و سرشت ایدئولوژیک هندسه و تزئینات به‌عنوان برخی از ویژگی‌های معماری معنوی اسلامی به‌دست آمده‌اند.

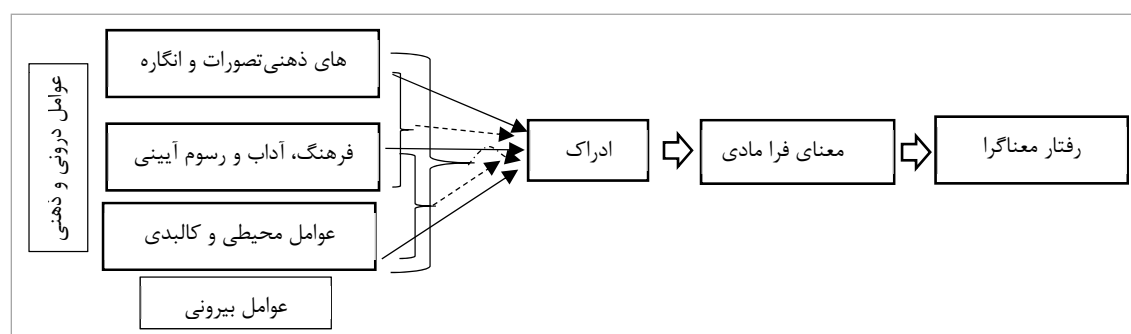
از نظر مددپور (۱۳۸۷)، برخورداری هنر معنوی اسلامی از نقوش و تزئینات خاص، سبب شده است که در ذهن مخاطب چنین القا کند که این آثار، ورای ساختمان، به واسطه خیال‌انگیز بودن، دارای روحی اسرارآمیز هستند. از نظر ایشان، هنر معنوی در تلاش است تا از کثرت به وحدت نائل شود. این امر از دو طریق همگرایی فرم و تزئینات و تفاوت درون و بیرون بنا شکل می‌گیرد.

ویژگی بارز این دست از مطالعات، این است که اکثراً به بررسی تجلی معمارانه مفاهیم معنوی پرداخته و کمتر به

افراد بسیار مؤثر است. در این تلاش، فضاهای معماری به‌عنوان وسیله و ابزار تحریک انسان و نمودهای رفتاری احساس معنوی به مثابه پاسخ انسان به محرک اصلی (فضای معماری) در نظر گرفته می‌شوند. اگرچه تصورات و انگاره‌های ذهنی مخاطب، فرهنگ و آداب و رسوم آیینی، بر این احساس بسیار مؤثر هستند، اما در رویکرد رفتارگرایی از پرداختن به این موارد پرهیز می‌شود؛ زیرا در دیدگاه روان‌شناسی رفتارگرا، رفتارهای آدمی را می‌توان به وسیله عوامل محیطی و بدون در نظر گرفتن عوامل درونی (تفکرات، انگاره‌های ذهنی و گرایش‌های فرهنگی، قومی و مذهبی) بررسی کرد (تصویر ۲). اگرچه نقدهای مهمی بر این نظریه وجود دارند، اما به واسطه اینکه قادر به تحلیل رابطه منحصربه‌فرد معماری و انسان است، رویکردی ارزشمند تلقی می‌شود.

پیشینه پژوهش

در زمینه معماری معنوی، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته‌اند. از این گروه می‌توان به "نیتوس بورکهارت"^۱، "فریتهوف شوان"^۲، "هانری کربن"^۳، "رابرت هیلن‌براند"^۴، "کیت کریچلو"^۵، "محمد مددپور"، "سید حسین نصر" و "نادر اردلان" اشاره کرد. اکثر اندیشمندانی که در تعریف هنر اسلامی، تأمل و یا اظهار نظر نموده، از حل رموز آن فرومانده و تنها اشاراتی به ویژگی‌های این معماری نموده‌اند و بیشتر مطالعات آنها متوجه تجلی برخی از مفاهیم معنوی در فضاهای معماری اسلامی است. بورکهارت مواردی چون؛ حس تعلق، منع بیهودگی و خلق فضای دارای تعریف کامل، هماهنگی فراز و فرود اثر، تأکید بر آرامش فضایی، رمزآلودگی در معماری، وحدت کل و جزء، اهمیت دادن به فضای خالی، نظم، قطبی کردن فضا، استفاده رازگونه از طبیعت، حرکت سلسله‌وار، بهره‌گیری از نور و رنگ در خلق مفهوم وحدت، منع وهم‌گرایی و تأکید بر سرشت بنیادین اثر را به‌عنوان عناصر معنوی مؤثر در فضاهای معماری اسلامی برمی‌شمرد



تصویر ۲. مدل ساده از فرآیند شکل‌گیری رفتار معنوی ناشی از تأثیر ترکیبی عوامل درونی و بیرونی (نگارندگان)

تحلیل "تجربیات معنوی حاصل از حضور در فضاهای معماری" توجه نموده‌اند. در این میان، "راندی گرسول فروز"^۶ (2010) در تز دکتری خود با عنوان "عرفان در تجربه معماری"^۷، اندکی تأثیر ساختمان‌ها در برانگیختگی احساسات قدسی را مطالعه کرده؛ وی اثر مؤلفه‌های کل‌گرای، یکپارچگی، نظم، مقیاس و تناسب بر دو ساختمان قدسی و دو ساختمان غیرمذهبی را نیز بررسی کرده است. "نابیلا اقبال"^۸ (2015) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "مسجدی در دره: مکانی برای دریافت معنویت و یادگیری فرهنگی"^۹، به بررسی جایگاه نور و سایه، آب، مقیاس و تناسبات در تجلی احساس معنوی پرداخته است.

مبانی نظری

احساس معنوی محیط، تجربه حاصل از حضور در فضاهای قدسی است. در میان رویکردهای مؤید معنا، رویکرد رفتارگرایی، به واسطه تمرکز بر روی عکس‌العمل مخاطبان، بستر مناسبی برای بررسی این احساس است. روان‌شناسی رفتارگرا بر پایه الگوی محرک پاسخ شکل می‌گیرد، بنابراین لازم است به شناخت مناسب از مدل برخورد با مسئله در این رویکرد رسید. در ادامه، محرک‌های معنوی و پاسخ‌های احساسی مربوط به آن شناسایی شوند؛ به‌نحوی که معرف رابطه احساس معنوی و محیط معماری باشند.

رفتارگرایی در معناشناسی محیط معماری

طبق نظریه رفتارگرایی، معنای یک اثر را به واسطه نمود رفتاری مخاطب آن می‌شناسند؛ بنابراین معنادار بودن یک اثر، وابسته به تأثیری است که در احساس و رفتار کاربر یا بازدیدکننده آن ایجاد می‌شود. در حقیقت آنچه اهمیت دارد، نه تصورات ذهنی و بافته‌های درونی معمار است و نه صرفاً اثری که توسط او خلق شده، بلکه واکنشی است که مخاطب فضا از خود بروز می‌دهد (رئیزی و نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۹).

پیروان این نظریه، معنای اثر را یک واسطه بین عوامل محیطی به مثابه محرک و رفتار یا کنش انسان به‌عنوان پاسخ، تعریف می‌کنند؛ بنابراین، ماهیت معنا وابسته به عکس‌العمل و نوع رفتاری است که مخاطب فضا انجام می‌دهد. از آنجا که اکثر رفتارهای انسان ناآگاهانه هستند، آنچه مردم در حقیقت انجام می‌دهند با آنچه تصور می‌کنند، متفاوت است. بنابراین در رویکرد رفتاری، عمده مطالعات بر پایه مشاهده صورت می‌گیرند و تدوین پرسش‌نامه‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها به منظور انجام تحلیل‌های آماری است (دادخواه فرد و مرتضایی، ۱۳۹۳).

تفاوت بارز روش رفتارگرایی با دیگر رویکردهای معناگرا در این است که عمده توجه در اینجا، معطوف به مشاهده رفتار مخاطب است؛ به‌عنوان مثال، حیاط در اماکن مذهبی، به واسطه القای حس آرامش و ایجاد تحولی درونی، در مخاطب فضا می‌تواند تداعی‌کننده معنای نشاط و سرور معنوی تلقی شود. از این‌رو، حیاط مساجد اسلامی، فضایی برای طمأنینه و آرامش درونی یا مکانی برای تجلی احساس نیازمندی انسان به خدا معنا می‌شود. رویکرد رفتارگرایانه در مسیر معنادهی به معماری فضای داخلی گنبد، از مشاهده رفتار بهره می‌گیرد. مخاطب در فضای زیر گنبد بدون توجه به انگاره‌های درونی آن، با مشاهده گنبد و تزئینات آن، احساس سبکی و نوعی از خود بی‌خود شدن می‌کند که می‌تواند تجلی حرکت به سوی اوج باشد؛ بنابراین فضای داخلی گنبد، تداعی حرکت متعالی خواهد نمود.

برای اینکه بتوانیم به‌درستی تأثیر معماری را به‌عنوان ابزار تحریک و احساس معنوی را به‌عنوان پاسخ بررسی کنیم، لازم است ابتدا از طریق مرور ادبیات و مطالعه دیدگاه‌های مختلف، به تشخیص مناسب از چیستی احساس معنوی دست یابیم. رویکرد سکولار و دیدگاه مذهبی، نگاه متفاوت و البته مکملی نسبت به تعریف معنویت به‌عنوان مفهوم اصلی و احساس معنوی به‌عنوان کاربست آن در رفتار دارند. از این‌رو، لازم است برای دریافت تشخیص مناسب از هر دو رویکرد مورد مطالعه قرار گیرند.

احساس معنوی در دیدگاه نظریه پردازان و روان‌شناسان غربی

برخی از نویسندگان، "مقیاس احساسات اصلی در رقابت" لیتون^{۱۰} را ابزاری مناسب برای درک و شناسایی ماهیت محیط می‌دانند (لنگ، ۱۳۸۱: ۹۶). لیتون، نیازهای انسانی را در ده رده مختلف دسته‌بندی کرد که بالاترین درجه آنها "تعلق به یک نظم معنوی" است؛ اما این نیازها بسیار پیچیده و فاقد دسته‌بندی روشن هستند. بنابراین برای بازخوانی اثر احساس معنوی در محیط، سلسله مراتب نیازهای "مازلو"^{۱۱} ابزار مناسب‌تری است (Birch & Sinclair, 2013: 81). مازلو ابتدا نیازهای اساسی انسان را در پنج رده: فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق، عزت نفس و خودشکوفایی دسته‌بندی نمود، سپس سطح ششم انگیزش را معرفی و از آن به‌عنوان "تجربه‌های اعلا یا اوج" یاد کرد که ویژگی‌های آن؛ احساس بندگی، احترام، شگفتی و حیرت، شور و هیجان، وجد و سرور و جذبه عمیق همراه با یک احساس مواجهه با امری بی‌کران هستند. از نظر وی، بالاترین درجه از تجربیات معنوی، احساس از خود بی‌خود شدن است (Maslow, 1964: 174-395).

"اراده معطوف به معنا" است؛ به نحوی که از نظر او، سبب اصلی حیات، جست‌وجویی است که بشر برای یافتن هدف و معنای زندگی در پیش می‌گیرد (Frankl, 1962). این موضوع، وجه اشتراک بیشتر نظریه‌پردازان در زمینه معنویت است؛ از این‌رو است که معنویت را جستجوی معنا در زندگی، رابطه متعالی خود و خدا، هدایت همه‌جانبه و ایجاد وحدت با طبیعت، تعریف کرده‌اند (Oman et al, 2009: 433). معنویت را به مثابه «اعتقادات شخصی و خصوصی، فراتر از جنبه‌های مادی زندگی که دربردارنده احساس عمیق یکپارچگی و گستردگی تا بی‌نهایت است» (Myers & Sweeney, 2004: 234-240) تعریف می‌کنند. جیمز نلسون^{۱۷} در کتاب "روان‌شناسی، مذهب و معنویت" معتقد است احساسات معنویت‌گرا، دارای یک عملکرد یکپارچه و هماهنگ‌کننده هستند که شامل وحدت درونی ما، روابط و ارتباطات ما با دیگران و در درجه بالاتر ارتباط ما با یک واقعیت گسترده‌تر می‌شوند که توانایی ما را برای متعال بودن فراهم می‌کند. از طرفی، معنویت شامل یک ارتباط با ماهیت‌های مقدس است که تقویت‌کننده یکپارچگی انسان با طبیعت است (Nelson, 2009: 8). در جدول ۲، دسته‌بندی دیدگاه‌های نظری مؤثر بر مفهوم احساس معنوی و نمودهای احساسی آن ارائه شده است.

جیمز^{۱۲} برای تجارب معنوی، چهار خصلت معرفی می‌کند. از نظر وی این تجارب، وصف‌ناشدنی، واجد ماهیتی وحیانی یا اشراقی، عمدتاً فرامادی، پر اغراق و شدید هستند و این حالت زمانی ظاهر می‌شود که فرد خود را در برابر یک نظم پنهان یا در حضور خدا احساس کند (James, 2004: 50; Miranda, 2018: 112). استیس^{۱۳} پنج ویژگی دیگر شامل؛ حس وحدت و یکپارچگی، از خود بی‌خود شدن، احساس تقدس، بی‌ثبات و زودگذر بودن و در نهایت احساس عمیق مثبت بودن، بر آن می‌افزاید. «مقیاس عرفانیت هود»^{۱۴} ویژگی‌های مشابه را مشخص می‌کند، از جمله جذب در موجودیتی بزرگ‌تر از خود، یک حالت احساسی که انگار همه چیز زنده پنداشته شود؛ الهام و دریافتی اشراقی از ماهیتی برتر و تجربه‌ای که در آن، زمان، مکان و فاصله بی‌معنا است (Taylor & Egeto-Szabo, 2017: 46-47). "رودولف اتو"^{۱۵} احساس مخلوق بودن را در رأس تجربیات معنوی می‌داند؛ که از یک سو احساس‌های جذبه، لطف و مرحمت را برمی‌انگیزد و از سوی دیگر هیبتناک است و سبب می‌شود انسان خود را برابر امر قدسی هیچ بیندارد (اتو، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۵). ویکتور فرانکل^{۱۶} در کتاب "انسان در جست‌وجوی معنا"، ستون‌های اصلی رشد و تکامل بشر را در آزادی اراده، معناگرایی و مسئولیت‌پذیری می‌داند. در نگاه وی اوج تکامل انسان، در

جدول ۲. حس معنوی از دیدگاه نظریه‌پردازان و روان‌شناسان غربی

نظریه پرداز	دیدگاه نظری	نمود احساسی	تجلیات معمارانه
رودولف اتو	حس مخلوقیت و بندگی	مواجهه رازآلود	فضای رمزآلود
		مواجهه پرهیبت	شکوهمندی در بنا
		مواجهه جذاب	قطبش و جذبه فضا
آبراهام مازلو	مواجهه عرفانی و تجربه اوج	احساس عجز و نیاز	بی‌کراتگی فضا
		احساس حیرت	هم‌زمانی رمز و شکوه
		احساس وجد و شور	پویایی و تعالی فضا
		از خود بی‌خود شدن	هارمونی و پیچیدگی
جیمز نلسون	وحدت درونی و یکپارچگی	یگانگی درونی	پیوستگی فضا
		همبستگی با دیگران	اجتماع‌پذیری فضا
		وحدت جهان پیرامون	کل‌گرایی
		ارتباط با جهان والا	شکوهمندی رمزآلود
ویکتور فرانکل	اراده معطوف به معنا	ذهن جست‌وجوگر	معماری سلسله‌مراتبی
		پرتلاش بودن و هدفمندی	
		آزادی اراده	تنوع شکلی و ظاهری
ویلیام جیمز	تحول و دگرگونی درونی	تجربه‌ای تازه و بدیع	غافلگیری از طریق فضای بدیع
		ارتباط با ماهیتی برتر	فضای شکوهمند و رمزآلود

(نگارندگان)

احساس معنوی در دیدگاه اندیشمندان اسلامی

در تعریف سکولار، معنویت در سطح موضوعات ساده معرفی می‌شود؛ این در حالی است که معنویت حقیقی، در خدمت ارتباط انسان و خداوند است. در تفکر توحیدی اسلام به هنگام برقراری هر نوع رابطه درونی با خود و یا جهان پیرامون، باید نظارت الهی را در نظر گرفت (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۵). از این‌رو معنویت، امری فرا مادی و به معنای نوعی تجربه عارفانه و سیری آفاقی برای تقرب به خدا تلقی شده (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۸) و خداوند متعال به مثابه سرچشمه وجود و همه کمالات بوده و نزدیک شدن به او، هدف اصلی آفرینش شمرده می‌شود (مصباح، ۱۳۸۹: ۳۰). از این‌رو، "صاحبان رسایل" در مقام تذکر، بازگشت به عالم بالا را هدف نهایی خلقت دانسته و حیات مادی و زمینی را مقدمه این رجعت می‌دانند. آنها از طریق تبیین وحدت و پیوستگی عالم، مریدان خود را به توحید فرامی‌خوانند؛ از نظر آنان کثرت گسترده در عالم هستی در سایه وحدت هستی شکل گرفته‌اند، به نحوی که همه پهنه هستی به اصل و مبدأ باز خواهد گشت (نصر، ۱۳۷۰: ۱۶۵ و ۱۶۶).

جستجوی وحدت از یک طرف و تنوع‌طلبی انسان از سوی دیگر، دو جنبه مهم در شکل‌دهی احساسات آدمی است؛ از این‌رو وحدت و تنوع، لازم و ملزوم هم بوده و از هم‌نشینی این دو، به عنوان "وحدت در کثرت" یاد می‌کنند. عرفا وحدت را ذاتی و کثرت را عارضی می‌شمارند. علامه دوانی به وحدت وجود در یک سمت و کثرت در سمت دیگر اعتقاد دارد (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۳). مصباح یزدی منظور از وحدت جهان را، وحدت اتصالی جهان طبیعت می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۵۳ و ۲۵۴)؛ بنابراین هر چیزی حاوی صورت ظاهری و معنای باطنی بوده (مدق‌الچی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۰) و آفاق عالم محسوس به عالم غیب متصل، از نوع اتصال ظاهر به باطن است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۲: ۱۲).

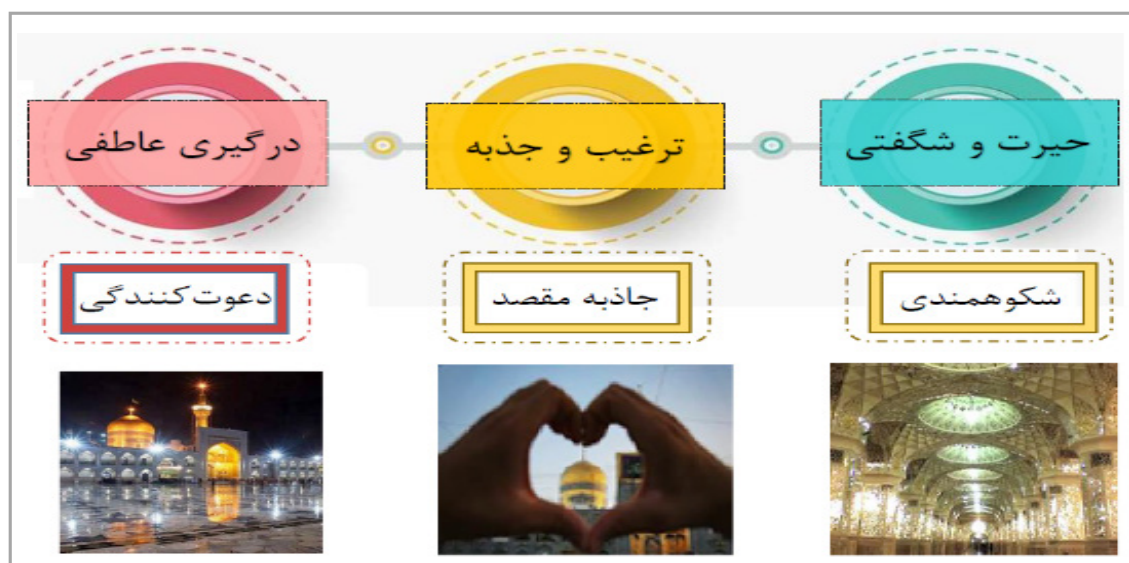
ملاصدرا و ابن عربی از وحدت وجود که وحدت همه هستی است، به اثبات توحید حق می‌پردازند. توحید، نبوت و معاد، از بنیادی‌ترین باورهای مسلمانان است که به عنوان اصول دین تلقی می‌شوند. توحید یعنی اعتقاد به یگانگی خداوند و اعتقاد به صفات او، ریشه بقیه است؛ به طوری که دین‌شناسان مسلمان می‌کوشند تا با اثبات آن، بقیه اصول و فروع را ثابت کنند. نبوت به نوعی اعتقاد به ضرورت و نیاز بشر به راهنمایی است و معاد در یک نگاه کلی، دربردارنده باور به بازگشت به مبدأ هستی است (نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۹). در جدول ۳، جمع‌بندی مفاهیم مربوط به احساس معنوی در اسلام ارائه شده است.

معماری و امر باشکوه احساس معنوی

رویکرد رفتاری، بیشتر متوجه نقش عوامل محیطی (فضای ساخته‌شده) به عنوان محرک و رفتار انسان در محیط به عنوان پاسخ، متمرکز است. هنگامی که می‌خواهیم از این رویکرد برای تحلیل تأثیر معماری بر احساس معنوی انسان استفاده کنیم، لازم است پس از شناخت ماهیت احساس معنوی محیط و داشتن درک درست از نمودهای رفتاری و عاطفی این احساس، ابتدا آن بخش از فضاهای معماری که می‌توانند محرک‌های مناسبی برای این‌گونه از پاسخ‌های رفتاری باشند را شناسایی کنیم. احساس معنوی در یک جمع‌بندی کلی می‌تواند شامل؛ "مواجهه با امر شکوهمند، درک وحدت درونی، جست‌وجوی حقیقت، تحول و دگرگونی عمیق، آرامش و نشاط معنوی" باشد.

"لانگینوس کاذب" احتمالاً اولین کسی است که از امر شکوهمند سخن گفته است. از نظر وی امر شکوهمند، بیانی است از شوری عظیم که برای آفریننده و مخاطب درگیری عاطفی ایجاد می‌کند و ماهیتی افسون‌کار تلقی می‌شود که همواره اشاره به امری برتر دارد؛ که "مخاطب را ترغیب و از خود به در می‌برد" (اکو، ۱۳۹۰: ۱۳۴ و ۱۳۵). بنابراین، مواجهه با امر شکوهمند می‌تواند همراه با درگیری عاطفی، ترغیب و جذب و در نهایت حیرت و شگفتی باشد (تصویر ۳). از نظر "ادموند برک"^{۱۸} امر شکوهمند، بیشتر هیبتناک است که سرچشمه‌های حقیقی آن را "ابهام"، "تداوم، تسلسل و وحدت"، "عظمت"، "غافلگیری"، "تعلیق"، "بی‌کرانگی" و "ابدیت" برمی‌شمرد؛ از نظر وی اگرچه ممکن است "وضوح" برای مخاطب خوشایندتر باشد، اما "ابهام" را زمینه‌ساز مواجهه با امر هیبتناک دانسته است (Burke, 1767: 259-261). تصویر ۴، ارکان امر شکوهمند را از دیدگاه ادموند برک نشان می‌دهد.

امانوئل کانت، یکی از دقیق‌ترین تعاریف از امر شکوهمند را در کتاب "سنجش نیروی داوری" ارائه داده است. کانت، احساس امر شکوهمند را در دو گونه "امر شکوهمند ریاضی" و "امر شکوهمند پویا" دسته‌بندی می‌کند. امر شکوهمند ریاضی بیشتر بر ترغیب آدمی در تصور مفهوم بی‌کرانگی و نامحدودی ابعادی استوار است. در این نوع از شکوهمندی، هدایت تصورات انسان به سمت موضوعات فرا ذهنی مانند خدا، بیشتر از طریق تأکید بر جنبه عظمت و بزرگی آن است. شکوهمندی ریاضی همواره بر عظمت از نظر بزرگی ابعاد اشاره نمی‌کند، بلکه گاهی بر شکوهی که در نظم پنهان هستی وجود دارد استوار است، مانند آن احساسی که از مشاهده ذرات از



تصویر ۳. امر شکوهمند از نظر لانگینوس (نگارندگان)

جدول ۳. جمع‌بندی مفهوم احساس معنوی در اسلام

اصول کلی	دیدگاه خاص	ویژگی احساسی	تجلیات معماری
وحدت وجود	وحدت ماده و معنا	ادراک معنا	معماری معناگرا
	وحدت انسان و هستی	حس وحدت با جهان پیرامون	پیوستگی و تنوع
	وحدت انسان و پیرامون	احساس هماهنگی با طبیعت	الهام از طبیعت
	وحدت جسم و روح	احساس وحدت درونی	معماری چندبعدی
	وحدت در عین کثرت کثرت در عین وحدت	ادراک وحدت مکثرات	متنوع در عین حال یکپارچه
سلسله مراتب وجود	مراتب آفرینش عالم	احساس لزوم حرکت	سلسله مراتبی بودن معماری قدسی
	مراتب قرب الهی		
	پیوستگی مراتب عالم		
تسلط دائمی خداوند	نظریه صدور کثرت	احساس جذب و قطبش	وحدت
	کانونی بودن عالم	احساس مواجهه با امر جذاب	فضای قطبی‌شده
	نیازمندی عالم به خدا	احساس جذب و قطبش	فضای کانونی و همگرا
	بهره‌مندی از فیض الهی		
ظاهر و باطن عالم	آرامش در ارتباط با خدا	احساس طمأنینه و آرامش	برخورداری از آرامش
	اصل سیر از ظاهر به باطن	درون‌گرایی و سیر آفاقی	سیر از ساده به پیچیده
	ارتباط از طریق اسمای الهی	ادراک معنا	تجلی اسما
	طبیعت به مثابه نشانه	طبیعت دوستی	طبیعت‌گرا
	سلسله مراتب فیض الهی	حرکت و سیر آفاقی	معماری سلسله مراتبی

(نگارندگان)

برای رسیدن به وحدت مکثات، باید کل نسبت به اجزا غالب باشد (صارمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳). کل که به واحد بودن شناخته می‌شود، عامل اتحاد اجزا بوده و تشکیل سیستم آن به گونه‌ای است که تمام این مجموعه در برابر سایر نظام‌ها، واحد مستقلی را تشکیل می‌دهد (بورکهارت، ۱۳۸۷: ۴۹). عوامل معمارانه مؤثر بر احساس وحدت، در تصویر ۵ نشان داده شده‌اند.

جست‌وجوی حقیقت

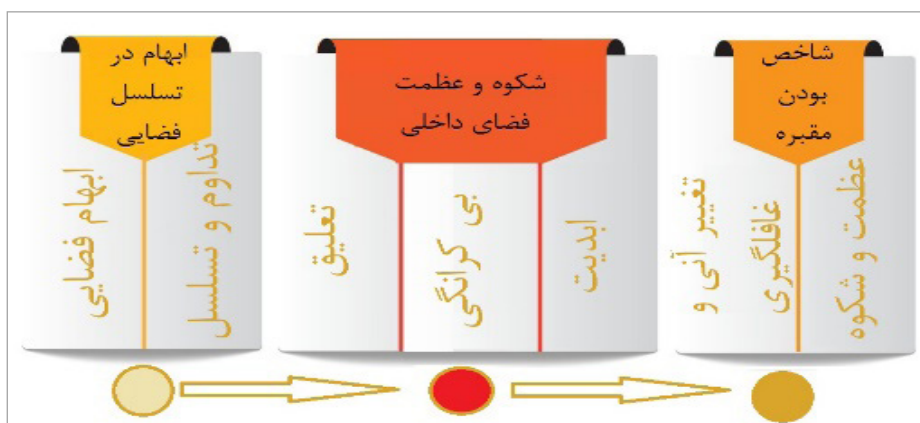
نمود رفتاری حس جست‌وجوگری در معماری را باید در جذبه و قطبیت فضایی پیدا کرد؛ به نحوی که حسین نصر معتقد است قطبی کردن فضا بیشترین سهم در جذبه و تقدس بخشی به معماری اسلامی را دارد. هیچ چیز در معماری اسلامی بدون جذبه و کشش خلق نمی‌شود، حتی فضاهای میان تهی چنان خلق شده‌اند که از یک کشش ازلی برخوردار بوده که نمایان کننده تجلی حضور گسترده خداوند هستند (نصر، ۱۳۹۴: ۵۸ و ۵۹).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قطبیت فضا، جاذبه مقصد است (نوربرگ - شولتز، ۱۳۸۱: ۳۳). به عبارت دیگر، مسیر بی‌مقصد بی‌معنا است، همواره نتیجه محور تداعی فیزیکی یا بصری حرکت است؛ بنابراین فضای محوری همواره دربردارنده یک مسیر هدفمند است. "نوربرگ شولتز" راه یا مسیر و مفهوم مرکز را متمم هم معرفی می‌کند؛ این مراکز هستند که راه‌ها را به مقصد هدایت می‌کنند و سبب معنادار شدن مسیرها هستند. یک مرکز قدسی قطبی کننده فضای اطراف آن است و چنان کانونی برای پیرامون عمل می‌کند و فضای اطراف را ضمن درجه بندی در جهات مختلف می‌گستراند و به این واسطه، حضور انسان را به سمت خود متمایل و متصل می‌کند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۵۸؛ ۱۳۸۶: ۴۷). به عبارت دیگر، مرکز به وسیله نیروهای مرکز گرایش، محیط اطراف خود را

طریق میکروسکوپ‌ها به انسان دست می‌دهد؛ اما مصداق امر شکوهمند پویا را می‌توان در چشم انداز طوفان مشاهده کرد. در این جنبه از شکوهمندی، بیشتر تصورات آدمی به سمت نیرومندی و قدرت نامحدود هدایت می‌شوند. نظریه‌های کانت توسط بسیاری از نویسندگان پس از او نیز ادامه یافت. شیلر^{۱۹}، امر شکوهمند را ماهیتی تلقی می‌کرد که در حضور آن، آدمی بیشتر متوجه محدودیت‌های خویش می‌شود و برای هگل^{۲۰}، امر شکوهمند تلاشی برای بیان بی‌کرانگی، بر پایه هدایت ذهنی انسان به سمت مفاهیم فرا مادی است؛ به نظر هگل، امر شکوهمند به دنبال مفهومی است که در قلمرو پدیدارها، باز نمودی نخواهد داشت (اکو، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۳۹).

وحدت و یکپارچگی

هنر اسلامی، نتیجه تجلی وحدت در کثرت است. بورکهارت، وحدت مکثات را ویژگی ذاتی هنر اسلامی می‌داند و هندسه، نور و سایه را سه روش برای بیان تصور وحدت وجود معرفی می‌کند (بورکهارت، ۱۳۸۷: ۱۶۸ و ۱۶۹). فن مایس^{۲۱}، یکپارچگی را ناشی از عواملی چون؛ تکرار، همانندی، نزدیکی، حصار و محدوده مشترک، تقارن و جهت گیری عناصر و اجزا می‌داند (فن مایس، ۱۳۸۴: ۳۶). انصاری و دیگران، پیوستگی فضایی، تمرکز و سادگی را به عنوان معیارهای معمارانه برای تجلی اصل وحدت فضایی معرفی می‌کنند (انصاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳). در این میان، سادگی به معنای یکسان بودن اجزای تشکیل دهنده یک کلیت نیست، بلکه با توجه به درک متفاوت از فضا، باید صحنه‌هایی با بار معنایی متنوع وجود داشته باشند. از این رو، وجود کثرت و تنوع در عناصر یک فضا از یک سو و نوع سامان دهی آنها در سیر به سوی وحدت از سوی دیگر، سبب ایجاد چنین ادراکی می‌شود (مسعودی، ۱۳۸۳: ۷۱ و ۷۲). صارمی و دیگران، تفاوت را به عنوان مهم ترین جنبه بصری وحدت معرفی می‌کنند؛ از طرفی معتقد هستند



تصویر ۴. ارکان امر شکوهمند از دیدگاه ادموند برک (نگارندگان)

امر شکوهمند نیز به آن اشاره شد. چنین فضایی به واسطه صفحاتی که ما را هدایت می‌کنند، همواره به اندیشه فرو می‌برد که چه چیزی در پیش خواهیم داشت (فن مایس، ۱۳۸۴: ۱۱۵). یکی دیگر از عوامل ایجاد جاذبه فضایی، استفاده از عناصری شاخص در بنای مجموعه است که نقش یک نشانه را داشته و از طریق هدف‌گذاری حرکت، ایجاد جاذبه و قطبش می‌کنند. ابهام و مکث اولیه می‌تواند بر قدرت کشش فضایی بیفزاید؛ به نحوی که در اکثر هنرها تأخیر موقت را محرکی قوی برای حرکت به جلو دانسته‌اند. در این زمینه، شکل‌های معماری چون اعضای نوعی هیئت استقبال طراحی می‌شوند تا به ناظر، خوشامد گویند (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲: ۲۱۱-۲۰۹). شاخصه‌های معماری قدسی در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

آرامش و نشاط معنوی مخاطبین

مقصد نهایی و منزل آخر زائر، دست یافتن به احساس سکینه‌ای درونی به معنای سکون و آرامش است. این احساس در اصطلاح صوفیه، به معنی آرامشی است که سالک پس از طی مراتب سلوک در دل خود حس می‌کند (اکبری باصری و محمدقلی پور، ۱۳۹۳: ۵ و ۶).

در اسلام، سرچشمه بندگی و عبادات، تفکر و لازمه اندیشیدن در آرامش است. معماری از طریق ایجاد یک فضای بدون جاذبه می‌تواند سکون لازم برای تأمل و سیر در عوالم معنوی را فراهم کند (فتیحی آذر و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۶)؛ بنابراین فضای معنوی که القاکننده محضر الهی است، باید واجد شرایط

قطبی می‌کند؛ به گونه‌ای که هر مرکز، به شیوه‌ای مشابه با یک میدان گرانشی عمل می‌کند و در تعامل با فضای اطراف خود، سبب یک کشش به سمت مرکز می‌شود. شکل کلی هر مرکز خود نماینده نوعی بردار نیرویی است که به جهات مختلف فضا گسترده می‌شود (Arnheim, 1983: 150).

عامل دیگری که به خلق فضای قطبی و باجذبه کمک می‌کند، استفاده از ترفند پیوستگی فضایی همراه با ابهام بین پنهان و آشکار است که در تعاریف ادموند برک درباره



تصویر ۵. عوامل معمارانه مؤثر بر احساس وحدت درونی (نگارندگان)

جدول ۴. شاخصه‌های معماری قدسی بر اساس احساس معنوی در جست‌وجوی حقیقت

توضیحات	شاخصه
اهدایت معماری از طریق جاذبه مقصد صورت می‌گیرد.	افقی
محور عمودی، بیانی از ارزش‌های متعالی است. کشش معنایی در فضای زیر گنبد سمت بالا است.	عمودی
عمده حرکت فیزیکی در قالب یک حرکت افقی است که احساس مستمری از حرکت را القا می‌کند.	محور افقی
ناشی از تفاوت جایگاه افراد و فضاها نسبت به مقصود است.	محور عمودی
یک مرکز قدسی قطبی‌کننده فضای اطراف آن است.	مرکزگرایی
استفاده از ترفند پیوستگی فضایی همراه با ابهام بین پنهان و آشکار است، به واسطه صفحاتی که ما را هدایت می‌کنند همواره به اندیشه فرو می‌برند که چه چیزی در پیش خواهیم داشت.	ابهام در تسلسل فضا
استفاده از عناصر شاخص به عنوان نشانه فضایی می‌تواند فضای اطراف را قطبی کند.	عنصر شاخص
در هنرها تأخیر موقت یا مکث را محرکی قوی برای حرکت به جلو دانسته‌اند. در موسیقی برای بازداشتن جریان نغمه پیش از موج قدرت تازه، همواره از تأخیر موقت استفاده می‌کنند.	تأخیر موقت
تداعی‌کننده این مفهوم است که هر چه جلوتر می‌رویم، فضا بااهمیت‌تر می‌شود.	تدریج پیچیدگی

(نگارندگان)

یکی از ملزومات ایجاد یک تحول درونی، گذار از فضاهای متنوع است؛ هنگامی که این بناها بر اساس اهمیت خود درجه بندی می شوند و هر فضا جایگاهی متناسب با شأن خود می یابد، آدمی در عبور از آنها، متوجه یک هدایت تدریجی به سوی هدفی متعالی می شود. برای آنکه معماری بتواند در مخاطب خود یک تحول درونی ایجاد کند، لازم است فضاهایی که فرد را به مقصد نهایی هدایت می کنند دارای ساختاری باشند که بر فرآیند عبور و گذار تأکید کنند. از نظر هنری کربن، هنر اسلامی همواره در پی آن بوده است تا فضایی آفریند که در آن بر سرشت گذرای اشیای مادی تأکید شود (کربن، ۱۳۷۲: ۴۳ و ۴۴)؛ بنابراین معماری از طریق سکون و تأمل در یک فضای خیال انگیز، حرکت تدریجی در فضاهای متنوع و درک تغییر و سرانجام با مواجهه امر شکوهمند و ایجاد حیرت و تعلیق، زمینه تحول درونی را فراهم می کند (تصویر ۶).

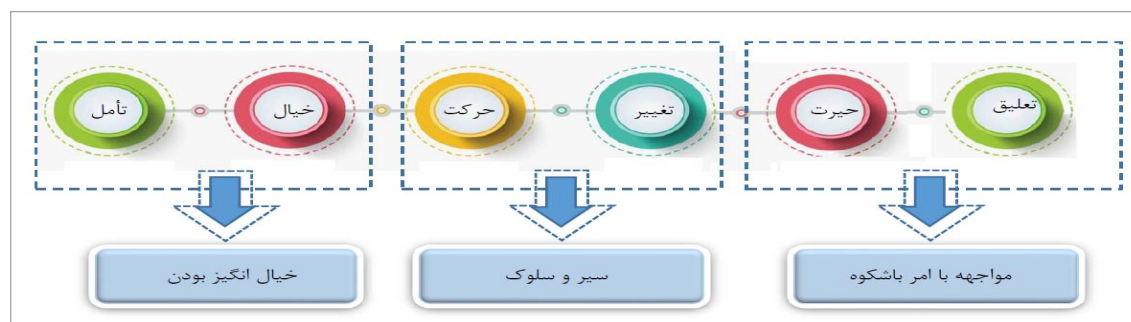
روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از منظر هدف در وهله اول، دارای وجوه اکتشافی بوده و سعی بر یافتن عوامل مؤثر بر "احساس معنوی محیط" و تکمیل نظریات موجود در این رابطه دارد؛ لذا اصولاً تحقیقی از نوع توسعه ای است که به واسطه قابلیت کاربرست نتایج در دنیای واقعی، نقش کاربردی نیز دارد. از منظر روش شناسی با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، از "رویکرد رفتاری" مبتنی بر "الگوی محرک- پاسخ" استفاده شده است. در این پژوهش، رابطه بین ساختار معماری به عنوان "محرک" و احساس معنوی محیط به عنوان "پاسخ" مورد بررسی قرار می گیرد. پیشبرد تحقیق بدین شرح است که پس از مرور ادبیات موضوع و یافتن شاخصه های احساس معنوی محیط، در یک تحقیق از نوع تحلیل عاملی، تأثیر مؤلفه های معماری بر شاخصه های احساس معنوی محیط به عنوان متغیر وابسته بررسی می شود. در تصویر ۷، مدل مفهومی تحقیق نشان داده شده است.

آرامشی باشد که مقدمه ادراک حس حضور است (خوش نظر و رجبی، ۱۳۸۸: ۷۲). معماری از طریق خلق فضای درون گرا و وسیع، فرصت خلوت و انس با خود و خدای خود را به انسان می دهد. حیاط های وسیع، عرصه ای برای اندیشه های خیال انگیز و مقدمه سلوکی عارفانه هستند. معمار مسلمان در تلاش است تا حیاط را زمینه ساز ورود فرد به فضای اصلی طراحی کند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۱۶۶). ورودی چنان تعریف می شود که هنگام رفت و برگشت به حیاط، تأثیر شگرفی بر فرد می گذارد. به واسطه عبور از یک مسیر باریک و سپس ایجاد یک گشایش بزرگ در قالب حیاط، سروری سرشار از آرامش به انسان دست می دهد (نصر، ۱۳۹۴: ۲۰۱). فضای خالی، رمزی قدسی و دروازه ای است که از طریق آن، حضور الهی به محتوای فضا داخل می شود. این فضای خالی انسان را قادر می سازد تا کاملاً خود او باشد و در مرکز وجودی او قرار گیرد. معماران ایرانی در خلق فضای مثبت به این نکته توجه کرده اند که تزئینات به کمک هنر انتزاعی شکل بگیرند و از تصاویر واقع گرا پرهیز نموده اند. وجود نداشتن تصاویر، درصدد از میان برداشتن هر گونه "حضور" است که ممکن است در مقابل «حضور نامرئی» خداوند جلوه کند (بورکهارت، ۱۳۸۷: ۱۲۱ و ۱۲۲ به نقل از احمدنژاد سرد رودی و سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۸-۳).

تحول و دگرگونی عمیق عاطفی

یکی از ویژگی های تجربیات معنوی این است که انسان احساس می کند تغییری درونی در قالب یک درگیری عاطفی اولیه تا تحولی عمیق شامل احساس از خود بی خود شدن به او دست دهد؛ از این رو، معماری می تواند از طریق خیال انگیز بودن در کنار زیبایی و شکوهمندی، به انسان فرصت پرواز ذهن را بدهد. فضایی که معماران ایرانی می ساختند، هم نمودی از مفاهیم ایدئولوژیک و کیهان شناختی و هم سرشار از یافته های خیال انگیز بود (تقوایی، ۱۳۸۶: ۴۴).



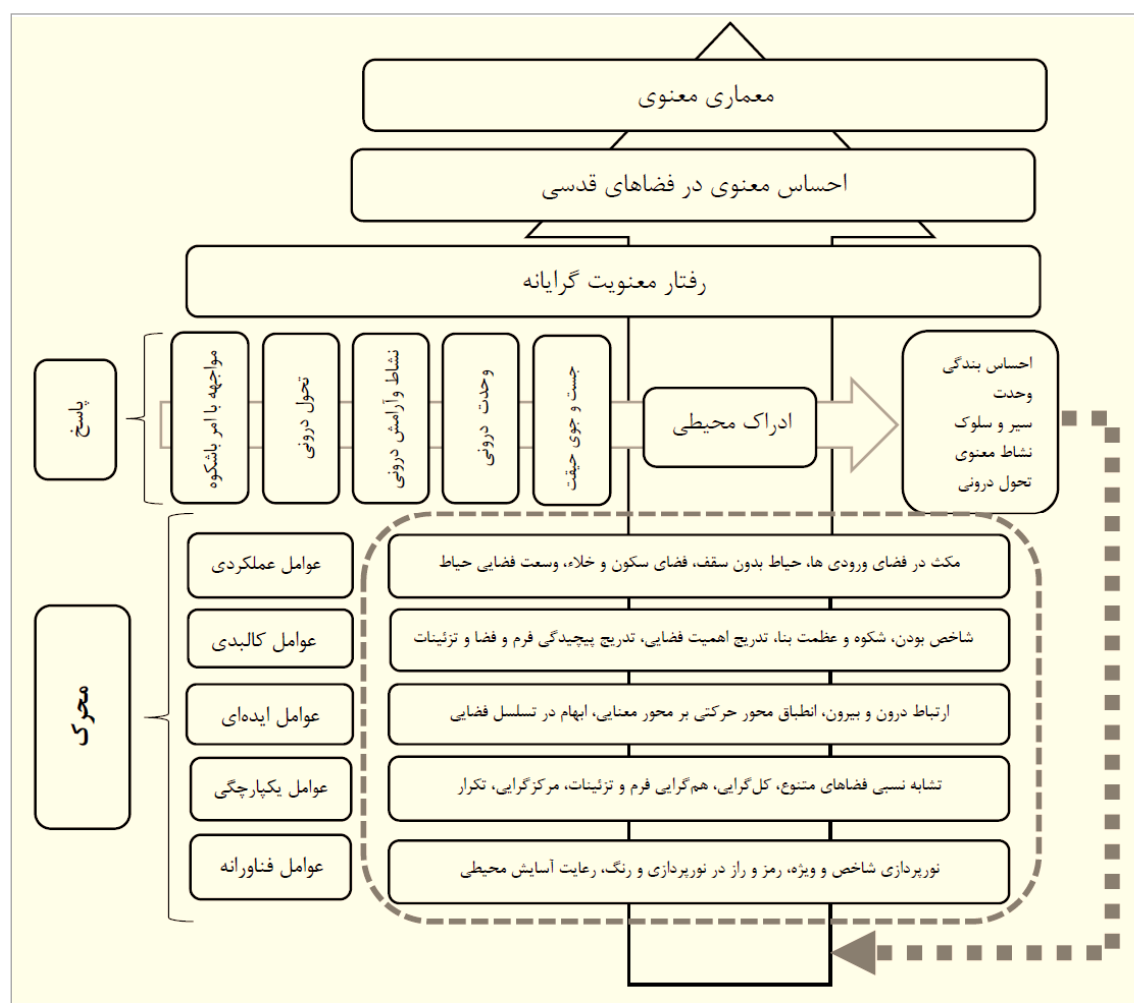
تصویر ۶. مراتب و جایگاه احساس تحول درونی در معماری (نگارندگان)

کافی برخوردار هستند و می‌توان به نتایج حاصله اعتماد کرد. روش‌های مختلفی برای استخراج عامل‌ها وجود دارند که در این مقاله، از روش آنالیز عامل‌های محور اصلی استفاده شده است. در این تحلیل، ۲۶ متغیر بررسی شده که به تعداد این متغیرها، عامل قابل‌تصور است؛ اما با توجه به معیار کایزر، عامل‌هایی که بار عاملی آنها بیشتر از ۱ است انتخاب می‌شوند. بنابراین در این تحلیل، ۵ عامل انتخاب شده و ۲۱ عامل خطا شناسایی شده‌اند. خلاصه واریانس تبیین‌شده توسط عامل‌ها نشان می‌دهد که کل واریانس تبیین‌شده عدد بزرگی است؛ بنابراین، عامل‌های اکتشافی تقریباً ۹۲٫۶٪ از کل واریانس را تحت پوشش قرار می‌دهند. پس از استخراج عامل‌های اصلی و سپس چرخش آنها از طریق روش چرخش واریماکس، نام‌گذاری عوامل استخراجی تحت تأثیر دو عامل بررسی فنی آیت‌های یک عامل و اصول روان‌شناختی حاکم بر آیت‌ها انجام گرفت که در جدول ۵ ارائه شده‌اند.

یافته‌ها و نتایج این مقاله، برگرفته از داده‌های به‌دست‌آمده از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته با ۲۶ گزاره پرسشی از مخاطبان فضا هستند. پس از تهیه پرسش‌نامه اولیه و مراجعه به متخصصان و صاحب‌نظران، روایی پرسش‌نامه از طریق "نسبت روایی محتوایی لاوشه" و "شاخص روایی محتوایی" سنجیده شده است. میزان پایایی پرسش‌نامه اولیه با استفاده از آلفای کرونباخ و از طریق نرم‌افزار تحلیل آماری Spss محاسبه شد. آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰٫۷۵۳ و قابل‌قبول بوده است. جامعه آماری، زائران حرم امام رضا (ع) در سال ۱۳۹۷ بوده و از طریق روش نمونه‌گیری آسان یا در دسترس، تعداد ۳۲۰ نفر انتخاب شدند.

تحلیل استنباطی یافته‌های پژوهش

میزان پایایی کیسر-مایر-اوهرلین بیش از ۰٫۷۰ است ($0.773 < 0.70$) که دارای سطح معناداری بسیار خوبی است؛ بنابراین داده‌ها برای تحلیل طرح عاملی، از کفایت



تصویر ۷. مدل مفهومی تحقیق (نگارندگان)

جدول ۵. نام گذاری عامل ها

مؤلفه های تحلیل معماری					متغیر های محیطی مؤثر
فن آوری	یکپارچگی	ایده ای	کالبدی	عملکردی	
				۰,۹۶۰	مقیاس و تناسب ابعادی
				۰,۹۵۲	رعایت شأن و عملکرد
				۰,۹۴۱	فضای سکون در کنار مقبره
۰,۳۵۲				۰,۸۹۶	فضای مکث در ورودی
۰,۳۲۹			۰,۳۰۶	۰,۸۷۰	صحن و حیاط وسیع
			۰,۳۱۴	۰,۸۳۸	امکانات رفاهی جانبی
			۰,۳۰۸	۰,۸۲۶	هم جوارى موزه و مقبره
			۰,۹۵۸		شکوه مندی المان مقبره
			۰,۹۴۸		شکوه مندی فضای داخلی
			۰,۹۳۰		تدریج افقی اهمیت فضا
			۰,۹۰۵		تدریج عمودی پیچیدگی
		۰,۳۷۹	۰,۸۳۳		تدریج افقی پیچیدگی
		۰,۳۷۴	۰,۸۲۰		شاخص بودن المان مقبره
		۰,۸۸۱	۰,۳۴۶		استفاده از فضا های میانی
		۰,۸۵۷	۰,۳۴۴		ارتباط درون و بیرون
		۰,۸۴۷	۰,۳۳۷		معنادار بودن محور حرکت
		۰,۸۱۴		۰,۳۱۰	پرهیز از شمال نگاری
		۰,۷۷۵	۰,۳۶۵		ابهام در تسلسل فضایی
		۰,۷۵۶	۰,۳۸۱		نورپردازی ویژه و شاخص
		۰,۷۵۶			موقعیت عناصر نورانی
	۰,۹۶۴				تشابه نسبی فضایی
	۰,۹۵۵				کل گرایى فضایی
	۰,۹۴۳				هم گرایی فرم و تزئینات
۰,۹۲۴					مسقف بودن موقت حیاط
۰,۸۳۳					نورپردازی شگفت انگیز
۰,۶۶۹					رعایت شرایط اقلیمی

(نگارندگان)

موقت در ورودی‌های مجموعه به زائر فرصت می‌دهد برای مدت کوتاه از فاصله‌ای دورتر به بنای مقبره نگاه کند. ابهام در تسلسل فضایی، از طریق تحریک حس حقیقت‌طلبی انسان، جذب و قطبش فضایی را تقویت می‌کند. ۷۶٫۶٪ از پرسش‌شوندگان با ایجاد فضای مکث در ورودی‌ها، ۷۳٫۴٪ با ایجاد فاصله بین ورودی و المان مقبره و ۷۴٫۴٪ با ابهام در تسلسل فضایی، موافق یا کاملاً موافق هستند.

داشتن حیاط‌های وسیع، در ایجاد حس تعلق، احساس سبکی و درک تحول درونی شدید بسیار مؤثر است. این مسئله هنگامی که از طریق یک راهروی محدود وارد فضای بزرگ حیاط می‌شویم، تقویت می‌شود. ۶۸٫۳٪ از پرسش‌شوندگان با چنین فرضیه‌ای موافقت نسبی دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ۷۰٪ از پرسش‌شوندگان، همگرایی فرم و تزئینات، ۶۷٫۶٪ غالب بودن کلیت بنا بر اجزای آن و ۷۰٪ مرکز‌گرایی، ۷۶٫۶٪ شاخص بودن المان مقبره و وجود عنصر شاخص (در اینجا گنبد و گلدسته‌ها) را در ایجاد حس وحدت مؤثر می‌دانند. جیمز نلسون، وحدت درونی و یکپارچگی را عامل مهم احساس معنوی تلقی می‌کند. حس وحدت به انسان کمک می‌کند هماهنگی و یکپارچگی جهان هستی را درک کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ۷۷٫۴٪ از پرسش‌شوندگان، تأثیر نورپردازی بر احساس معنوی را مفید می‌دانند و ۶۳٫۴٪ معتقد هستند بهتر است نورپردازی در قسمت فوقانی باشد. ۶۹٫۴٪ از آنها این باور را دارند که دید به آسمان، بخشی از معنویت حیاط‌ها است. از طرفی ۷۰٫۹٪ آنها موافق هستند که به منظور هماهنگی با عوامل جوی، می‌توان به صورت موقت سقف حیاط‌ها پوشیده شود.

از آنجا که اندیشه اسلامی، جهان پیرامون را به عنوان نشانه‌ای از تجلی ذات حضرت حق می‌پندارد و چون هنر واقع‌گرا از بیان شایسته این تعبیر، ناتوان است، بنابراین در بناهای قدسی، از رویکرد انتزاعی برای نمایش تصاویر استفاده می‌شود. ۷۱٫۳٪ از پرسش‌شوندگان با قرار گرفتن تصاویر واقعی از طبیعت، جانداران و انسان‌ها در بناهای قدسی مخالف هستند. وجود فضاهای جانبی و امکانات رفاهی، بخشی از رضایتمندی و آسایش خاطر مخاطبان فضاهای معنوی (زائران) است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ۷۳٫۴٪ از پرسش‌شوندگان با هم‌جواری هتل‌ها و فضاهای اقامتی، ۵۳٫۸٪ با هم‌جواری فروشگاه‌ها، ۶۳٫۱٪ با هم‌جواری موزه و ۷۲٫۵٪ با هم‌جواری نمایشگاه‌های آثار فرهنگی موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند.

نظام سلسله مراتبی فضا از طریق درجه‌بندی اهمیت فضاها، در ایجاد احساس معنوی محیط بسیار مؤثر است؛ به نحوی که با ایجاد سیر از کم‌اهمیت به پراهمیت، نوعی کشش و جذب محیطی ایجاد می‌کند که تداعی‌کننده تفکر اسلامی درباره مسیر عروج روحانی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ۷۱٫۹٪ از پرسش‌شوندگان، نظری موافق با تأثیر این مؤلفه بر احساس معنوی آنها دارند.

فضاهای متنوع باید تداعی‌کننده هماهنگی و تشابه نسبی فضاهای پشت سر هم باشند تا مخاطب با عبور از این فضاها غافلگیر نشود. سلسله مراتبی بودن، نوعی ارجحیت فضایی ایجاد می‌کند؛ بنابراین فضاهای معماری باید تشابه نسبی، تنوع فضایی و آهنگ تغییر از ساده به پیچیده در دو محور افقی و قائم داشته باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ۷۶٫۲٪ از پرسش‌شوندگان با اهمیت "تشابه نسبی فضاهای متنوع"، ۸۵٫۹٪ با سیر عمودی پیچیدگی و ۸۱٫۳٪ با سیر افقی پیچیدگی، موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند.

یکی دیگر از مباحثی که در "سیر از ساده به پیچیده" مهم جلوه می‌کند، رعایت تناسب سطح پیچیدگی با شأن بنا است؛ بنابراین بیشترین سطح پیچیدگی باید در فضای اصلی بنا (در اینجا فضای ضریح) قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند ۸۵٫۹٪ از پرسش‌شوندگان نسبت به این موضوع، نظر موافق یا کاملاً موافق داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های احساس معنوی محیط، قرار گرفتن در برابر بنایی باشکوه است. انسان هنگامی که در برابر بنایی زیبا، باشکوه و پیچیده قرار می‌گیرد، به واسطه زیبایی، نسبت به آن جذب شده و با درک عظمت و شکوه بنا، در یک معماری توحیدی، احساس بندگی و مخلوق بودن آدمی تقویت می‌شود. ۸۱٫۹٪ از پرسش‌شوندگان با تأثیر شاخص بودن بنای مقبره بر ایجاد حس معنوی خیابان‌های اطراف و ۸۵٫۹٪ با تأثیر عظمت معماری داخلی بنا موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند.

در حقیقت، شاخص بودن بنای مقبره سبب می‌شود نقش "جذب مقصد" در شکل‌گیری مسیر حرکت تقویت شود. شوق زیارت و جذب ضریح، سبب قطبش در فضای محوری می‌شود. ۶۹٫۱٪ از پرسش‌شوندگان موافق یا کاملاً موافق هستند که در مسیر ورودی به سمت ضریح چندان متوجه تنوع فضایی و گشودگی‌های جانبی نیستند، اما در مسیر برگشت متوجه می‌شوند فضاهای بیشتری در آن اطراف وجود داشته که این خود نشان از حس "از خود بی‌خودشدگی" است.

نوع ارتباط درون و بیرون و وسعت فضایی حیاط، در ایجاد حس معنوی محیط مؤثر است. ایجاد فضای مکث و توقف

نتیجه‌گیری

احساس معنوی عمدتاً از یک درگیری عاطفی ساده آغاز می‌شود و تا مرحله از خود بی خود شدن، قطع ارتباط با جهان مادی، تصور ورود به جهانی دیگر و در نهایت آرامش و نشاط معنوی طی مراتب شش‌گانه زیر اوج می‌گیرد:

۱. درگیری عاطفی ساده و شروع یک مواجهه معنوی مخاطب با یک درک معنوی
 ۲. جذب، ترغیب، جست‌وجوی حقایق درونی، تداوم حرکت ذهنی یا فیزیکی توأم با خیال‌پردازی
 ۳. تحول و دگرگونی عمیق درونی، حیرت و شگفتی ناشی از ابهام و عجز از شناخت پیچیدگی‌های عالم هستی
 ۴. درک و شهود مبتنی بر دریافت وحدانیت عالم از یک سو و درک سلسله مراتبی ساحات هستی از سوی دیگر
 ۵. جذب در یک ماهیت ماورایی، احساس سبکی، تعلیق و از خود بی خود شدن در ذهنیت
 ۶. رهایی از قید و بند جهان مادی و دریافت آرامش و نشاط معنوی در باطن و ذهن
- نتایج نشان می‌دهند ریزمعیارهای مؤثر بر عامل عملکرد در تحقق احساس معنوی به ترتیب تأثیرگذاری؛ مقیاس و تناسب ابعادی، رعایت شأن عملکرد، سکون در فضای کنار مقبره، فضای مکث در ورودی، صحن و حیاط وسیع، امکانات رفاهی جانبی و هم‌جواری موزه و مقبره هستند. ریزمعیارهای مؤثر بر عامل کالبدی به ترتیب میزان اثرگذاری؛ عظمت و شکوه مقبره، پیچیدگی فضای داخلی مقبره، تدریج افقی اهمیت فضاها، سیر از ساده به درهم‌پیچیده محورهای عمودی و افقی و در نهایت شاخص بودن عنصر مقبره هستند. ریزمعیارهای مؤثر بر عامل ایده‌ای به ترتیب تأثیرگذاری؛ سامان‌دهی ارتباط درون و بیرون، نظام سلسله مراتب مطابق سیر اهمیت فضایی، منع شمایل‌نگاری، انطباق حرکتی بر محور معنایی، ابهام در تسلسل فضایی، شاخص بودن نورپردازی و موقعیت عناصر نورانی هستند. ریزمعیارهای مؤثر بر عامل فن‌آوری به ترتیب؛ مسقف بودن موقت محوطه صحن یا حیاط، وجود سامانه‌های نورپردازی شگفت‌انگیز و رعایت آسایش و شرایط زیست‌محیطی هستند. ریزمعیارهای مؤثر بر عامل یکپارچگی به ترتیب میزان اثرگذاری؛ تشابه نسبی، تسلسل فضایی، تداوم فضایی، کل‌گرایی، همگرایی فرم و تزئینات هستند. در تصویر ۸، جمع‌بندی عوامل فضایی احساس معنوی محیط ارائه شده است.



تصویر ۸. عوامل فضایی احساس معنوی محیط (نگارندگان)

علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که پژوهشگران متعدد در زمینه شناخت ماهیت، چیستی و چگونگی ایجاد و ارتقای احساس معنوی محیط انجام داده، اما هنوز ابعاد مختلف این مسئله به‌طور کامل مورد اکتشاف قرار نگرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان در پژوهش‌های آتی با تغییر در روش تحقیق، ابزار سنجش، جامعه آماری، نمونه‌های موردی، افزایش تعداد متغیرها و یا تمرکز بیشتر بر روی هر یک از محورهای مختلف تحقیق، به ابهام‌زدایی از مسئله کمک کرد.

مقاله حاضر از طریق بهره‌گیری از رویکرد روان‌شناسی رفتارگرا، به مطالعه احساس معنوی محیط پرداخته است. فرآیند پژوهش نشان داد که احساس معنوی می‌تواند شامل؛ "مواجهه با امر شکوهمند، درک وحدت درونی، جست‌وجوی حقیقت، تحول و دگرگونی عمیق، آرامش و نشاط معنوی" باشد. این مقاله به بررسی اثر محیط بر تقویت نمودهای رفتاری این ویژگی‌ها به صورت کلی پرداخته است؛ بنابراین پرداختن به رابطه دوسویه معماری و احساس آدمی می‌تواند با تمرکز بر هر یک از این مؤلفه‌ها ادامه یابد. بدیهی است در یک پژوهش دقیق‌تر، می‌توان به تعداد متغیرهای بیشتر دست یافت.

از طریق روش‌های تحقیق متنوع و دیگر ابزارهای سنجش نیز می‌توان ابعاد شناخته‌شده مسئله را گسترش داد. در دانش روان‌شناسی چهار پارادایم غالب با عناوین؛ "رفتارگرایی"، "روان‌تحلیلی"، "روان‌شناسی زیست‌شناختی" یا نظریات علوم اعصاب و "روان‌شناسی شخصی و فراشخصی" وجود دارد. در این مقاله، از رویکرد روان‌شناسی رفتارگرایی استفاده شده است، اما ضرورت بسط و گسترش دقیق‌تر مسئله ایجاب می‌کند موضوع را با رویکردهای دیگر نیز ادامه داد.

پی‌نوشت

1. Titus Burckhardt
2. Frithjof Schuon
3. Henry Corbin
4. Robert Hillenbrand
5. Keith Critchlow
6. Furze, Rodney Creswell
7. Mysticism In the Experience of Architecture
8. Nabila Iqbal
9. Mosque in the Valley: A Space for Spiritual Gathering & Cultural Learning
10. Alexander Leighton
11. Abraham Maslow
12. William James
13. Walter Terence Stace
14. Hood's Mysticism Scale
15. Rudolf Otto
16. Viktor Frankl
17. Jamse M Nelson
18. Edmund Burke
19. Johann Christoph Friedrich Von Schiller
20. George Wilhelm Friedrich Hegel
21. Pierre Von Meiss

منابع و مأخذ

- آرنهایم، رودولف (۱۳۸۲). *پویه‌شناسی صور معماری*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول، تهران: سمت.

- احمدنژاد سرد رودی، فرهاد و سلیمی ترکمانی، سمیرا (۱۳۹۲). مبانی معنوی معماری و هنر اسلامی از دیدگاه تیغوس بورکهارت. همایش منطقه‌ای تأثیر آموزه‌های اسلامی در پیشرفت علوم و فن آوری‌های نوین. ساری.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۱). حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی. ترجمه و نداد جلیلی، چاپ دوم، تهران: علم معمار رویال.
- اکبری باصری، قدسیه و محمدقلی پور، مریم (۱۳۹۳). مکانیت مثالین نورهای رنگی در معماری مقدس ایران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، اولین ویژه‌نامه نورپردازی، ۷، ۹-۱.
- انصاری، مجتبی؛ شریفیان، احسان و عبدالحی ثابت، محمد مهدی (۱۳۹۲). وحدت‌گرایی رویکردی الهی به طراحی شهری. هویت شهر، ۷ (۱۶)، ۳۸-۲۷.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۲). قاضی سعید قمی یکی از حکمای حوزه فلسفی اصفهان. خردنامه صدر، (۳۲)، ۱۲-۱۰.
- اکو، اومبرتو (۱۳۹۰). تاریخ زیبایی (نظریه‌های زیبایی در فرهنگ‌های غربی). ترجمه هما بینا، چاپ اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- اُتو، رودولف (۱۳۸۰). مفهوم امر قدسی. ترجمه همایون همتی، چاپ اول، تهران: نقش جهان.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: سروش.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰). ارزش‌های جاویدان در هنر اسلامی. ترجمه محمد آوینی، چاپ اول، تهران: برگ.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۷). مبانی هنر اسلامی. ترجمه امیر نصیری، چاپ اول، تهران: حقیقت.
- تقوایی، ویدا (۱۳۸۶). نظام فضایی پنهان معماری ایران و ساختار آن. هنرهای زیبا، (۳۰)، ۵۲-۴۳.
- تقوایی، ویدا (۱۳۸۹). بازخوانی صورت کاخ هشت‌بهشت اصفهان. نامه معماری و شهرسازی، ۳ (۵)، ۱۶۱-۱۴۹.
- خوش‌نظر، سید رحیم و رجبی، محمدعلی (۱۳۸۸). نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی. کتاب ماه هنر، ۱۲۷ (۱)، ۷۶-۷۰.
- دادخواه فرد، شیما و مرتضایی، سید رضا (۱۳۹۳). به‌کارگیری روش کاربر محور مبتنی بر رفتارگرایی در طراحی محصول. هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۱۹ (۱)، ۹۲-۸۵.
- رحیمیان، سعید (۱۳۸۸). مبانی عرفان نظری. چاپ دوم، تهران: سمت.
- رئیس، محمد منان و نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). هستی‌شناسی معنا در آثار معماری. هویت شهر، ۹ (۲۴)، ۱۹-۵.
- شوان، فریتیهوف (۱۳۷۲). اصول و معیارهای هنر جهانی. مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. ترجمه علی باجدینی. جلد اول. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- صارمی، حمیدرضا؛ تقی‌نژاد، کاظم و پیری، سیما (۱۳۹۵). تجلی اصل وحدت در کثرت در مرکز محله شهر اسلامی. مطالعات شهر/ایرانی/اسلامی، سال هفتم (۲۶)، ۲۱-۲۹.
- فتحی آذر، سحر و حمزه‌نژاد، مهدی (۱۳۹۳). معناشناسی محور در مسجد و کلیسا. مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، (۱۷)، ۵۳-۶۲.
- فن مایس، پی‌یر (۱۳۸۴). عناصر معماری: از صورت تا مکان. ترجمه دانش فرزین‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کربن، هانری (۱۳۷۲). تأویل قرآن و حکمت معنوی اسلام. مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. ترجمه علی باجدینی. جلد اول. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر. ۴۳-۴۴.
- کریچلو، کیت (۱۳۹۰). تحلیل مضامین جهان‌شناختی نقوش اسلامی. ترجمه سید حسین آذرکار، چاپ اول، تهران: حکمت.
- لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۰). نقد نظریه تبیین دین و معنویت. معرفت کلامی، سال دوم (۳)، ۱۱۵-۱۳۶.
- مددیپور، محمد (۱۳۸۷). تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. چاپ دوم، تهران: بین‌الملل.
- مدقالچی، لیلا؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و پور جعفر، محمدرضا (۱۳۹۵). تفکر عقلی شیعی و تأثیر آن در معماری منظر دوره صفویه. نقش جهان، ۶ (۲)، ۵۹-۴۸.



- مسعودی، محمدحسین (۱۳۸۳). تدوین و ادراک آهنگ فضا، سیر کثرت به وحدت در طول زمان. صفه، ۱۳ (۴-۳)، ۶۱-۷۳.
- مصباح، علی (۱۳۸۹). واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا. فصلنامه اخلاق پزشکی، ۴ (۱۴)، ۲۳-۳۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). آموزش فلسفه. چاپ شانزدهم، جلد اول، تهران: بین الملل.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۰). هنر قدسی در فرهنگ ایران. جاودانگی هنر. ترجمه سید محمد آوینی. تهران: برگ. ۱۶۵-۱۶۶.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ سوم، تهران: حکمت.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۱). حس حضور مطلوب ترین برآیند ارتباط انسان و محیط. مطالعات معماری ایران، ۱ (۲)، ۲۷-۴۶.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۴). الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهرهای اسلامی. نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلام، ۱ (۱)، ۶۳-۸۰.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان (۱۳۸۱). معماری: حضور زبان و مکان. ترجمه علیرضا سید احمدیان، چاپ اول، تهران: مؤسسه معمار نشر.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷). معماری اسلامی: شکل، عملکرد و معنی. ترجمه ایرج اعتصام، چاپ اول، تهران: سوگ.
- Arnheim, R. (1983). **The power of the center, a study of composition in the visual arts**. England. London: University of California press.
- Birch, R. & Sinclair, B.R. (2013). Spirituality in place: Building connections between architecture, design, and spiritual experience. In **ARCC Conference Repository**. DOI: <https://doi.org/10.17831/rep:arcc%25y116>
- Bregman, L. (2012). **Spirituality definitions: A moving target. Spirituality: Theory, praxis and pedagogy**. United Kingdom: Inter-Disciplinary Press Oxford.
- Burke, E. (1767). **A Philosophical Enquiry into the Origin of our Ideas of the Sublime and Beautiful**. The fifth edition. London: etc. J. Dodsley.
- Frankl, V. (1962). **Man's Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy**. Boston: Beacon Press.
- Furze, R.C. (2010). *"Mysticism in the Experience of Architecture"*. Doctoral dissertation, University of Exeter.
- Iqbal, N. (2015). *"Mosque in the Valley: A Space for Spiritual Gathering & Cultural Learning"*. Master theses for Architecture. University of Massachusetts Amherst.
- James, W. (2004). **The Varieties of Religious Experience: A Study in Human Nature**. Introduction and notes by Wayne Proud foot. New York: Barnes & Noble Books.
- Maslow, A.H. (1964). **Religions, values, and peak-experiences** (Vol. 35). Columbus: Ohio State University Press.
- Miranda, P. (2018). Numinous and religious experience in the psychology of Carl Jung. *Diálogos Junguianos*, 3 (1), 110-133.
- Myers, J.E. & Sweeney, T.J. (2004). The indivisible self: An evidence-based model of wellness. *Journal of Individual Psychology*, 60 (3), 234-244.
- Nelson, J.M. (2009). **Psychology, religion, and spirituality**. Valparaiso University: Springer Science & Business Media.
- Oman, D.; Thoresen, C.E.; Park, C.L.; Shaver, P.R.; Hood, R.W. & Plante, T.G. (2009). How does one become spiritual? The spiritual modeling inventory of life environments (SMILE). *Mental Health, Religion and Culture*, 12 (5), 427-456.

- Taylor, S. & Egeto-Szabo, K. (2017). Exploring awakening Experiences: A Study of awakening Experiences in terms of their triggers, characteristics, duration and after effects. *Journal of Transpersonal Psychology*, 49 (1), 44-65.

